

مضامین و اندیشه های مشترک در داستانهای جلال آل احمد

و ابراهیم گلستان

دکتر حمید عبداللهیان
عضو هیأت علمی دانشگاه اراک

چکیده

جلال آل احمد و ابراهیم گلستان هر دو از نسل دوم داستان نویسان ایران به شمار می آیند. رفت و آمد نزدیک و تجربه های مشترک این دو نویسنده در دوران جوانی باعث شده است که بین داستانهای آنان بویژه در دوره اولیه زندگیشان، همانندیهای بسیاری دیده شود. آل احمد اندیشه های خود را از نظر زمانی زودتر از گلستان در داستانهایش مطرح کرده، ولی ابراهیم گلستان همان اندیشه ها را دقیقتر و سنجیده تر در قالب داستان در آورده است. آثار دو نویسنده از دو جنبه ۱- محتوا و ۲- فنون داستانی مورد بررسی قرار گرفته است. از حیث محتوا در آثار این دو نویسنده- بخصوص در دوره اولیه داستان نویسی- شباهتهای بسیاری می توان دید. این همانندیها در نخستین مجموعه داستان دو نویسنده به اندازه ای است که می توان احتمال داد تحت تأثیر اندیشه های حزبی نوشته شده اند. از نظر محتوا جامعه افراد داستانهای نویسنده، شغل و جنس آنان بررسی شده است. از نظر فنون داستانی، آل احمد در آغاز تحت تأثیر نویسندگان قرن نوزده فرانسه و گلستان بیشتر تحت تأثیر نویسندگان امریکایی-همینگوی و تواین و بک- که نویسندگانی تازه شناخته شده بودند، می نوشت. هرچه فاصله فیزیکی و اعتقادی آل احمد و گلستان بیشتر شد، تفاوت در داستانهای آنها هم بیشتر شد.

کلید واژه: جلال آل احمد، ابراهیم گلستان، داستان نویسی، مضامین مشترک، تأثیر داستانی، تقلید.

۱۱۷



فصلنامه پژوهشهای ادبی، شماره ۵، پاییز ۱۳۸۳

«اگر خانه این سه نفر که شمردم [ملکی، دکتر عابدی، ابراهیم گلستان] در آن سالها پناهگاه آواره‌ای که من باشم نبود، ممکن بود در آن بی ثمری و کوتاه دستی دق کرده باشم یا هروئینی و تریاکی شده باشم» (جلال آل احمد، ۱۳۶۱، ص ۲۶)

این نقل قول، گفته‌ای متواضعانه از آل احمد درباره سالهای جوانی اوست. آل احمد در اجتماع حضوری فعال داشت. این حضور، او را با افراد بسیاری آشنا کرد. در میان آشنایان او بعضی به عنوان مربی یا شاگرد عمل می‌کردند. از نوشته‌های او برمی‌آید که با گلستان در دوره اولیه فعالیت ادیبانشان (۱۳۲۰-۱۳۳۲) دوستی بسیار نزدیک داشته و به مناسبت‌های مختلف از او یاد می‌کند. این دو باید با یکدیگر در دانشگاه یا در جلسات روشنفکری آشنا شده باشند. از نظر سنی آل احمد یک سال از گلستان کوچکتر بوده اما داستان نویسی را زودتر شروع کرده، در مقابل، گلستان زودتر ازدواج کرده است. آل احمد تحصیلات خود را تا حد دکترای ادبیات فارسی ادامه داد و در مرحله نگارش پایان نامه درباره هزار و یک‌شب بود که ظاهراً به دنبال کدورت پیش آمده با دکترخانلری، تحصیل را رها کرد (شمس آل احمد، ۱۳۶۹، ص ۱۹-۲۱۸). اما گلستان یکی دو سال در رشته حقوق در دانشگاه درس خواند و ظاهراً تحصیل را رها کرد و به کارهای دیگر پرداخت (آل احمد، ۱۳۵۷، ص ۲۴). آل احمد در داستان نویسی سماجت بیشتری نشان داد و بیشترین کار و شهرتش بر این پایه متمرکز است اما گلستان به داستان به تفنن می‌نگریست. تنها چهار مجموعه داستان و یک داستان بلند منتشر کرد و پس از روی آوردن به فیلم سازی، بیشتر توان خود را بر فیلم گذاشت و به تعبیر آل احمد به سینما تبعید شد. (آل احمد، ۱۳۵۷، ص ۲۷). پیوستن این دو به حزب توده تقریباً همزمان بود و جدا شدن آنها هم با هم بود. شاید دوستی نزدیک این دو یا فعالیت مشترک حزبی آنها باعث شد که در بین داستان نویسان معاصر ایران در آثار اولیه‌شان شبیه‌ترین دو فرد به یکدیگر باشند. سیمین دانشور در مصاحبه‌ای، نکته‌ای از زندگی مشترکشان را بیان می‌کند که نشان دهنده دغدغه آل احمد در کار نویسندگی است. دانشور می‌گوید که آل احمد در گردشهای دو نفری از سیمین می‌خواست تا داستان زندگی عابر ناشناسی را که از روبه رو می‌آمده است برای یکدیگر تعریف کنند (حریری، ۱۳۶۴، ص ۱۵). این کار یک تمرین داستان نویسی یا نهایتاً شخصیت پردازی بوده است و شاید راهی برای دانستن افکار همسر و نوعی روانشناسی. بعید نیست که در دوران رفت و آمد نزدیک با گلستان نیز هر دو بارها این تجربه را تکرار کرده باشند و داستانهای مشابه، حاصل این قرارها باشد. از سوی دیگر این دو در دوران اوج مشابهت



داستانهای خود عضو حزب توده بوده‌اند. جنبه تبلیغی شدید این داستانها این احتمال را تقویت می‌کند که شاید به سفارش حزب نوشته شده باشد بویژه که موضوع بیشتر این داستانها مبارزه اعضای حزب است یا زندگی دشوار کارگران یا مشکلات و نیازهای زنان در جامعه سستی که این سه مورد از شعارهای اساسی حزب در آن دوره بوده است بخصوص که بعدها آل احمد پشیمانی خورا از نوشتن داستانهای مجموعه از **رنجی که می‌بریم** و به طور تلویحی فرمایشی بودن آنها را اعلام می‌کند (آل احمد، ۱۳۴۸، ص ۳۴). بیشترین شباهت آثار این دو نویسنده در دو مجموعه‌ای است که به فعالیت حزبی آنان مربوط است و ظاهراً به سفارش حزب و با حمایت آنها نوشته شده است. مجموعه داستان حزبی آل احمد با نام **از رنجی که می‌بریم** در سال ۱۳۲۶ و مجموعه **آذر ماه آخر پاییز گلستان** در سال ۱۳۲۷ چاپ شد. البته سیر نزولی و کاهنده نکات مشترک تا پایان دوران نویسندگی دو نویسنده قابل پیگیری است. پیش از اینکه به این بحث پرداخته شود، لازم است دورنمایی از جریانهای داستان نویسی دهه ۲۰ نشان داده شود تا مشترکات این دو نویسنده آشکارتر شود.

جریانهای داستان نویسی دهه ۲۰ و ورود رئالیسم سوسیالیستی

- دهه ۲۰ سومین دهه از داستان نویسی جدید ایران به شمار می‌آید. در این دهه، نسل دوم داستان نویسان ایران از قبیل آل احمد، دانشور، گلستان، به آذین و... نیز ظهور کردند. در عین حال، نسل اول یعنی جمال زاده، هدایت، علوی، حجازی، دشتی و... نیز به داستان نویسی مشغول بودند. در نوشته های نسل اول، گرایش به سبکهای غیر رئالیستی بیشتر متداول بود. هدایت در نوعی سوررئالیسم، آمیزه ای از نیپیلیسم، اگزیستانسیالیسم و سمبولیسم را در داستانهایش به کار می برد و تقریباً در این راه تنها بود. بزرگ علوی به رومانسیسم علاقه بیشتری نشان می داد. جمال زاده و حجازی در این دوره انتقاد اجتماعی را با اندکی ایده آلیسم درآمیخته بودند و بدان معنی کسی پیرو موجهای رئالیسم نبود. در آغاز دهه بیست و با فروریختن دیوارهای استبداد پهلوی اول، فضای بازی برای فعالیت سیاسی و ادبی فراهم شد. حزب توده بسرعت یارگیری کرد و بیشتر نویسندگان جوان به عضویت یا همکاری با آن پرداختند. حزب برای جوانان جاذبه های بسیاری داشت. اگر نویسندگان تازه کار به حزب می پیوستند، می توانستند از مجلات حزب برای انتشار مطالب خود و نیز از اعضای حزب به عنوان مخاطبان خود بهره ببرند. جلسات حزب پاتوقهای روشنفکری بود و بزرگان، تجارب

۱۱۹



خود را در آنجا در اختیار جوانان قرار می‌دادند. در مقابل از جوانان توقع تبلیغ و وفاداری به اندیشه‌های حزبی داشتند. کم‌کم فضایی ایجاد شد که تنها نوشته‌هایی را که متعهد به افکار حزب یا در دفاع از کارگران و محرومان نوشته می‌شد، ادبیات می‌دانستند و به نویسندگان و شاعرانی که موضوعات عاشقانه یا انزواگرانه می‌نوشتند، حمله می‌کردند. آل احمد و بعدها پرهانی به شاعرانی که متعهد نمی‌دانستند حمله کردند.^۱ در حزب حتی خواندن روزنامه‌های آمریکایی را ممنوع می‌کردند. سران حزب در این دوره آگاه بودند که از طریق ادبیات مؤثرتر از همه جا می‌توانند اندیشه‌های خود را تبلیغ کنند. سبک و سیاق نویسندگان روسیه بخصوص نویسندگان کمونیست به عنوان الگوی نویسندگی تبلیغ می‌شد. بیشتر از همه ماکسیم گورکی مورد توجه بود. تبلیغ حزب باعث پیدایش ادبیاتی شد که تا پایان دوران پهلوی ادامه داشت. رئالیسم سوسیالیستی، ریشه خود را از اندیشه‌های کمونیستی گرفت و بعدها متناسب با موقعیت ایران رشد کرد. جریانهای اجتماعی و سیاسی مثل انقلاب سفید و اصلاحات ارضی بر رئالیسم سوسیالیستی ایران تأثیر گذاشت. داستان نویسانی که پس از شهریور ۲۰ به حزب پیوستند، پیشروان این مکتب بودند که در آن میان، آل احمد و به آذین بیشتر از دیگران کار کردند. بعدها ساعدی، دولت آبادی، درویشیان و بهرنگی نیز به جریان رئالیسم سوسیالیستی پرداختند. آل احمد و گلستان نخستین نویسندگان توانایی بودند که به جریان رئالیسم سوسیالیستی پرداختند یا به تعبیری آن را پایه‌گذاری کردند با این تفاوت که گلستان به زودی دست کشید و تحت تأثیر نویسندگان آمریکایی از رئالیسم سوسیالیستی فاصله گرفت ولی آل احمد تا پایان عمر از نفوذ رئالیسم سوسیالیستی خارج نشد. با در نظر داشتن این مقدمات به بررسی داستانهای این دو نویسنده در دهه ۲۰ می‌پردازیم. شباهت آثار این دو نویسنده را می‌توان از دو جنبه محتوا و ساختار بررسی کرد.

۱- محتوا

منظور از محتوا در اینجا اندیشه‌های حزبی و غیر حزبی است که در داستان به عنوان زیربنای فکری و جهان بینی نویسنده مطرح شده و هدف نویسنده از نگارش داستان، بیان یا تبلیغ آن است. موضوع بیشتر داستانهای دو مجموعه حزبی آل احمد و گلستان زندگی مبارزان

است و به طور مستقیم و غیر مستقیم به زندگی کسانی می پردازد که به گونه ای با نظام حکومتی مخالفند و مخالفت خود را به شکلی اعلام می کنند.

الف) مبارزان سیاسی: در دوره اول حکومت پهلوی دوم، زندانیان سیاسی که در طول استبداد پهلوی اول زندانی شده بودند، آزاد شدند. بقایای گروه معروف پنجاه و سه نفر که در زندان فرصت یافتند اطلاعات خود را کامل، و فعالیت حزبی را پایه گذاری کنند، از این گروه بودند. در دهه ۲۰ تا ۳۰ فعالان سیاسی از بی خبری شاه جوان و فضای نسبتاً باز جامعه استفاده کرده به فعالیت حزبی پرداختند. مهمترین حزب فعال سیاسی این دوره حزب توده با گرایشهای کمونیستی بود. توده در جذب اهل قلم مهارتی بسیار داشت. بزرگانی مثل نیما به دام آن افتادند، چه رسد به جوانان بی تجربه و پر شوری مثل آل احمد و گلستان. حزب در مقابل حمایت و چاپ آثار نویسندگان جوان، توقع داشت تا از شعارهای حزب در تولیدات هنری و ادبی استفاده شود؛ بنابراین حجم عمده ای از آثار هنری و ادبی این دوره ها در واقع تولیدات حزبی است که جنبه شعاری آنها گاه بسیار قوی و در نتیجه غیر صمیمی و ضعیف می نماید. دو نویسنده مورد بحث در این دوره از اعضای حزب بودند و در اواخر همین دوره نیز از حزب «انشعاب» کردند (سال ۱۳۲۹). توجه عمده در این داستانها به ماجراهای اتفاق افتاده در نیمه اول دهه ۲۰ معطوف است: ماجرای اعتصاب معدنچیان زیراب و تلاشهای صورت گرفته در جنگلهای مازندران و گیلان. **مجموعه از رنجی که می بریم** شامل ۷ داستان است. داستان **دره خزان زده** به طور سر بسته به شرح سرکوب معدنچیان زیراب می پردازد. نیروی حکومتی، سرزده و با برنامه وارد منطقه شده، بدون مقاومت، مبارزان را دستگیر و تبعید می کند. در این داستان - شاید تحت تأثیر سانسور- از فعالیتهای مبارزان و جرم آنان یاد نمی شود. داستان **زیرابها** ادامه داستان پیشین است. مبارزان به کرمان تبعید می شوند. اسد می گریزد و خود را به میناب می رساند و از آنجا فعالیتهای خود را به اطلاع دوستانش می رساند. **سر راه چالوس**، داستان مردی است که فعالیت حزبی را به دلیل هیجان آن دوست دارد. نمی تواند آرام در خانه خود بماند. به زندگی خانوادگی خود پشت پا زده است. این مبارز از مرام حزبی خود و برنامه هایش برای اصلاح جامعه چیزی نمی گوید یا شاید چیزی نمی داند. **محیط تنگ** به دوره ادامه فعالیت در زندان توجه دارد. یک زندانی از تنگی جا شکایت دارد و به جرم اعتراض مجبور می شود تا صبح بیدار بماند و وقتی ناخواسته به خواب می رود،





وحشیانه شکنجه می‌شود. *اعتراف* بر شکنجه‌های زندانیان تأکید دارد. یک زندانی هر شب مجبور است با پای برهنه در میان برف به جستجوی جسدی موهوم برود و سرانجام در سرمای شدید از پا در می‌آید. *آبروی از دست رفته* درباره لجابت بی حاصل یک مغازه دار ساده است که در حکومت نظامی، مغازه‌اش را گشوده، به همین دلیل گرفتار می‌شود. *روزهای خوش* نشان دهنده زندگی دشوار مبارزان پس از ترک فعالیت سیاسی است. بعد از پایان مبارزه هنوز تا مدتها نیروهای حکومتی به افراد بدگمانند. برای کنترل آنها مأمور می‌گذارند و سرانجام آن قدر زندگی را بر آنها سخت می‌کنند که وادار به خودکشی می‌شوند. به این ترتیب آل احمد زندگی اشخاص داستانش را قبل از مبارزه، در حال مبارزه و پس از آن نشان می‌دهد. آل احمد بر جنبه‌های ایده آل و قهرمان پروری بیشتر تأکید دارد. در این مجموعه، هیچ مبارزی خیانت نمی‌کند، حتی دچار ترس و دو دلی نمی‌شود و همه بر سر مقاومت خود یا قهرمانانه می‌میرند یا پیروز می‌شوند. شاید به این وسیله الگو سازی می‌کند و درس مقاومت می‌دهد. در این مجموعه، مأموران و نیروهای حکومتی، شب‌هایی کم رنگ ولی منفور و مطرود معرفی شده‌اند. از نشانه‌های خام دستی نویسنده در همین مجموعه بی‌توجهی به نیروهای مقابل مبارزان است.

مجموعه *آذر ماه آخر پاییز* شامل هفت داستان است که نخستین آن سیاسی نیست و به مسائل زنان و اختلاف طبقاتی می‌پردازد. اما دیگر داستانها سیاسی است. داستان *آذر ماه آخر پاییز* درباره مشکلات خانواده یک مبارز متواری است. زنش در غیاب شوهر، زاییده و کودک رشد کرده است. راوی که مأمور آوردن وسائل مبارز است با دلهره بسیار به دیدار خانواده‌اش می‌رود و پس از مرگ دوستش، خود را برای نرساندن نامه سرزنش می‌کند. همسر راوی از فعالیت شوهرش، بسیار می‌ترسد. در *تب عصیان* یک زندانی وقتی برای اولین بار به زندان می‌رود، ادامه مبارزه را آسان می‌بیند و می‌خواهد اعتراض خود را به شکلی اعلام کند. پیشتر با دیگر زندانیان صحبت، و آنان را متقاعد کرده تا با او همراهی کنند. اما در موعد مقرر کسی را در کنار خود نمی‌بیند و طعم تلخ خیانت را می‌چشد. در *خم راه* در فضای دیگری اتفاق می‌افتد. سرگذشت مردی است که علیه خان به پای می‌خیزد و یاغی شده به کوه می‌زند. پدرش از روی دلسوزی همراهش می‌آید. سرانجام تفنگ‌داران خان، پدرش را سرچشمه می‌یابند و برای یافتن جای پسر، «سنگ چین» می‌کنند. پسر که مخفی شده، از کمین گاه خود

مرگ پدر را می بیند و به امید آینده تحمل می کند. در این داستان، گلستان نکته مهمی در مبارزه می گشاید که آل احمد به آن بی توجه بوده و آن نکته نقد و تشخیص مهم و غیر مهم در مبارزه است. آل احمد در این مجموعه، مقاومت را- به هر قیمتی شده - پیشنهاد می کند، ولی گلستان، مقاومت معقول و توجه به اوضاع را مهمتر می داند. واضح است که نظر گلستان ناشی از کارکشتگی بیشتری است و روانشناسی شخصیتها و صمیمیت نوشته بیشتر لحاظ شده است. **یادگار سپرده** به حواشی مبارزه پرداخته است. همسر جوان یک اعدامی شمعدانهایی را که تنها یادگار شوهرش است گرو گذاشته، حال نمی داند که آنها را فروخته یا نگه دارد. شب دراز از آن سو به جریان مبارزه توجه کرده است. این بار از چشم مأموران حکومتی، زندگی و تلاشهای فعالان سیاسی بررسی شده است. دو زندانبان، رفتاری متفاوت در برابر زندانیان سیاسی دارند. یکی از آنان سعی می کند از فرصت برای انباشتن ثروت استفاده کند. می خواهد خانه بسازد و خود هم از طبقه ضعیف برخاسته است. می خواهد با وعده ملاقات از همسر مبارزان سوءاستفاده جنسی کند. این داستان نیز یکی دیگر از وجوه تفاوت دو نویسنده را در اندیشه حزبی نشان می دهد. آل احمد بدون نگرستن به مخالفان و ضد قهرمانان، مبارزانی یکسره بی عیب می سازد و از نشان دادن آنها از چشم مخالفانشان غافل می ماند ولی گلستان با نشان دادن پستی و حقارت مأموران حکومتی سعی در روشننگری بیشتر دارد. **میان دیروز و فردا** به مقاومت زندانیان در مقابل شکنجه های مأموران می پردازد. مأموران سبیل یکی از زندانیان را می سوزانند و او تسلیم شده، جای تفنگها را لو می دهد.

از دیدگاهی کلی اگر به داستانهای دو نویسنده نگرسته شود، تفاوت های آثار بیشتر مربوط بخصویات فردی نویسندگان است. در آثار هر دو نویسنده، تجارب فردی نقش مهمی ایفا می کند. آل احمد از تجربه های خود به عنوان مضمون داستان بهره می برد. مشاهدات خود را در یک سفر به مازندران در داستانهای **روزهای خوش زندگی و در راه چالوس** گنجانده است (شمس آل احمد، ۱۳۶۹، ص ۳۰۹)؛ اما شاید به دلیل نداشتن تجربه زندگی خانوادگی در این دوره به پیامدهای مبارزه بر همسران و کودکان توجهی ندارد. تنها در یک داستان آن هم به طور گذرا به بازتاب خانمان برانداز مبارزه پرداخته است. گلستان در این دوره متأهل بود و تقریباً در تمامی داستانهای خود به مشکلات خانوادگی افراد اشاره می کند. در بعضی داستانها به طور کامل به زندگی





دشوار زنان پس از اسارت یا اعدام همسر می‌پردازد. این امر نشان می‌دهد که گلستان دغدغه بیشتری درباره پیامد فعالیت سیاسی افراد داشته است؛ حتی توجه او به زندگی زنان از مردان بیشتر است. نکته دیگر واقعگرایی گلستان و آرمانگرایی آل احمد در نگرش به مبارزه است. در هفت داستان این مجموعه آل احمد، هیچ مردی تسلیم نمی‌شود یا شکست نمی‌خورد و قهرمانان با سماجت اگر شده از طریقی دیگر ادامه می‌دهند. افراد با لجاجت تا پایان عمر مقاومت می‌کنند و این مقاومت، گاه بر سر چیزی است که ارزشش را ندارد یا به منظور خودنمایی است. در هر حال مقاومت شدید بر سر چیزی که حاصلی ندارد از سوی افرادی که آگاهی چندانی ندارند به آرزو شبیه‌تر است تا واقعیت و داستانهای آل احمد را به سطح شعارهای حزبی فرو می‌آورد. جالب اینکه از نظر قهرمانان آل احمد، مقاومت بی‌حاصل کنونی از مبارزه مفید در اوضاع مساعد آینده بهتر است در حالی که اشخاص داستانی گلستان با دوراندیشی بیشتر به این نکته واقفند، گلستان هیچ‌گاه واقع بینی را رها نمی‌کند. کارگران ساده‌ای که چه بسا از سر بیکاری به حزب پیوسته‌اند در زمان عضویت خود، چنان که باید توجه نشده‌اند و در نتیجه با اولین فشار جدی صحنه مبارزه را خالی می‌کنند یا مبارزانی واقعی که به امید آینده‌ای با موقعیت بهتر، حاضرند، فعلاً اقدامی نکنند و در هنگام رویارویی با خطر به اقتضای فطرتشان می‌ترسند و دلهره نشان می‌دهند و حتی ممکن است خیانت کنند.

ب) *مسائل زنان*: این دو نویسنده از نخستین افرادی بودند که به بیان مسائل زنان در جامعه پس از شهریور ۲۰ پرداختند. زنان داستانهای این دو بخصوص در این دوره بیشتر زنان سنتی ایرانی یعنی خانه‌دار و ساده‌(فاقد پیچیدگی و وضعیت خاص) هستند. هر کدام از دیدگاه تجربه‌ها و محیط زندگی خود به مسأله زن پرداخته‌اند. آل احمد، زنان خانه‌دار را در فضایی سنتی و مذهبی بررسی کرده و ترسها و هوسها و شرمهای آنان را تصویر کرده است. چیزهایی که احتمالاً در مادر و خواهران خود مشاهده می‌کرده است. داستانهای شوهر آمریکایی، جشن فرخنده، خواهرم و عنکبوت^۲، زن زیادی^۳، لاک صورتی، بچه مردم و گناه^۴ به توصیف زنان ایرانی اختصاص دارد. این زنان به شکل‌های مختلف از سوی مردان مورد اجحاف قرار می‌گیرند. فضای بسته زندگی باعث ایجاد هوسها و آرزوهای عجیب در زنان می‌شود. مردان بی‌دلیل یا با

دلیل، خواسته‌های زنان را نادیده می‌گیرند تا جایی که وامی‌دارند فرزندانشان را در کوچه رها کنند. گلستان چندان به جنبه‌های مذهبی توجهی ندارد و در مواردی که به مذهب و تأثیر آن در زندگی زنان می‌نگرد، ابعاد منفی قضیه را می‌بیند. داستانهای *به دزدی رفته‌ها*، *یادگار سپرده*، *سفر عصمت*، درباره ظلمهایی است که بر زنان می‌رود. کلفتیایی که مورد بی‌مهری قرار می‌گیرند یا زنانی که در جریانات سیاسی، همسرانشان را از دست داده‌اند یا زنانی که در جامعهٔ مردسالار، تنها جنبه جنسی آنها مورد توجه است و پناهگاهی ندارند.

پ) کارگران: زندگی کارگران ساده و کم درآمد از دیگر برنامه‌های حزبی است که در آثار اولیه این دو نویسنده به آن اشاره شده است و بعد از جدایی از حزب نیز اثرش باقی می‌ماند. در پرداختن به زندگی کارگران، سختی‌های کار جسمی، کمی حقوق، عقده‌هایی که فقر ایجاد می‌کند، احساس بطالت، دلهره بیکاری، تحقیر از سوی کارفرمایان و عادت به استثمار نمایانده می‌شوند. گلستان در این زمینه از آل احمد بیشتر نوشته است. اوضاع زندگی و محیط بر ای گرایش گلستان بی‌تأثیر نبوده است. داستانهای *ظهر گرم تیر*، *لنگ*، *مردی که افتاد*، از روزگار رفته حکایت، به دزدی رفته‌ها و... از گلستان درباره خدمتکاران خانه اعیان یا کارگران ساده نوشته شده است. در این داستانها نویسنده به وضع زندگی افرادی می‌نگرد که بتدریج شرایط زندگی جدید را می‌پذیرند و به خدمت در خانه اعیان عادت می‌کنند. آنها زندگی و آینده خود را به اربابان خود وابسته می‌دانند. اگر روزی موقعیتی فراهم شود که امکان کار از آنان گرفته شود به مقاومت می‌پردازند. فاصله طبقاتی را پذیرفته‌اند و برای اصلاح وضع موجود تلاشی نمی‌کنند. این افراد به همان میزان که گرفتار نظام اجتماعی بیرونی باشند از زندانهای فکری خود رنج می‌برند و راه خروجی از آن نمی‌دانند. این افراد گاه برای تخلیه روانی در برابر فشارهای زندگی و محیط، واکنشهای نادرست برمی‌گزینند. با همسران خود از در لجاج درمی‌آیند و با آزردن آنها سعی می‌کنند خود را تخلیه کنند. آل احمد کمتر به زندگی کارگران به طور مستقیم پرداخته است. به عنوان قهرمان داستان ممکن است کارگری را انتخاب کند ولی کمتر اتفاق می‌افتد که مسائل کارگری محور داستانش باشد. داستان *زندگی که گریخت*^۵ به توصیف درک ناگهانی یک باربر از ناتوانی و از کارافتادگی



خود می‌پردازد. در داستانهای سیاسی هم بیشتر اشخاص داستان کارگردن ولی از مسائل کاری آنها خبری نیست.

ت) سنتها: مسائل سنتی و دینی در داستانهای نویسندگان نسل دوم و از جمله این دو نویسنده جایگاه خاصی دارد. آل احمد بیشتر از نویسندگان این دوره به سنتها توجه می‌کرد و حتی در اواخر عمر، طلایه دار بازگشت به سنتها بود. در مقابل، گلستان چندان به سنتها و اعتقادات دینی اشخاص داستان کاری ندارد.

۲- ساختار

مقوله ساختار آثار دو نویسنده را از دو جنبه نثر و تکنیکهای داستانی می‌توان بررسی کرد:

الف) نثر:

یکی از وجوه مشترک دو نویسنده تلاشی است که در جهت رسیدن به نثر خاص به عمل آورده اند. تلاش این دو نویسنده برای دستیابی به نثری که شایستگی همراهی داستان را داشته باشد، آنها را از نویسندگان نسل اول جدا می‌کند. آل احمد به مرور به نثری دست یافت که دارای ویژگیهای متمایز و براحتی در بین نثرهای بسیار دیگر قابل تشخیص است. نثری که دانشور آن را کوتاه، تلگرافی و کوبنده دانسته است. نثر آل احمد بهره گرفته از زبان مردم کوچه و بازار و متون قدیم ادبی مثل بیهقی و ناصرخسرو است. نثر ویژه آل احمد از آغاز دهه ۳۰ کم کم در نوشته هایش شکل می‌گیرد و در متنهای غیر داستانی مثل سفرنامه ها و مقالات ادبیش به اوج می‌رسد. واقعیت این است که نثر آل احمد برای قالبهای غیر داستانی یاد شده از داستانها مناسبتر است. گلستان اندکی پس از آل احمد و در دهه ۴۰ به نثر خود دست یافت. در مجموعه های **شکار سایه و مد و مه**، نثر موزون و عروضی گلستان را می‌توان یافت. البته کسانی مثل شاملو(شاملو، ۱۳۷۶، ص ۹۱۲) و گلشیری(گلشیری، ۱۳۷۸، ص ۲۹۷) با این نوع نثر مخالفت کرده اند. گلستان هم شاید تا حدودی به متون گذشته بخصوص بیهقی که گاه کاملاً موزون می‌شود، توجه دارد. نثر گلستان جدای از موسیقی، بسیار ظریف و محکم است و لغزش نگارشی ندارد اما بر-

عکس آل احمد، مقلد و پیروی در زمینه نشر پیدا نکرد.

ب) تکنیکهای داستانی:

از نظر تکنیک در آثار این دو نویسنده چون تقریباً هم سن، همدوره و هم نشین بودند، همانندیهای بسیاری باید بتوان پیدا کرد. هر دو نویسنده در این دوره، نخستین تجربه هایشان را در داستان انجام می دادند- البته آل احمد پیشتر مجموعه دیگری منتشر کرده بود- هر دو در پاتوقهای روشنفکری مثل کافه نادری و فردوسی حاضر می شدند و در این جلسات از راهنماییهای صادق هدایت و نوشین و خانلری بهره می گرفتند. آل احمد فرانسه می دانست و در همین دوره، ترجمه هایی از این زبان منتشر کرد و گلستان انگلیسی می دانست و اندکی پس از این، همینگوی و مارک تواین را به جامعه ادبی ایران معرفی کرد (گلشیری، ۱۳۷۸، ص ۲۹۶). آشنایی با دو زبان متفاوت را می توان مهمترین عامل تفاوت سبک این دو نویسنده دانست. آل احمد بیشتر تحت تأثیر نویسندگان قرن نوزده فرانسه و روسیه بود؛ در حالی که گلستان از نویسندگان قرن بیستم آمریکا، که تازه میدان دار داستان نویسی شده بودند، تقلید می کرد. نخستین بار نیز شگردهایی مثل سیال ذهن به وسیله این نویسنده در ایران به کار رفت. گلستان مدتها پیش از چوبک و گلشیری، نمونه موفقی از جریان سیال ذهن در داستان شب دراز به کار برد. (گلستان، ۱۳۲۷، ص ۸۴) اما آل احمد در داستان نویسی ایران همیشه پیرو بود. فعالیت گسترده سیاسی و کار در زمینه های دیگر فرهنگی مثل سفرنامه نویسی و مونوگرافی ومقالات سیاسی و نقد ادبی و... مجال کمتری برای تأملش در فنون جدید داستانی فراهم ساخت. در دو سه ساله آخر عمرش از انزوای اجباری استفاده کرد و به تقویت ساختار و تکنیک داستانهایش پرداخت که نتیجه آن در داستانهای کوتاه مجموعه پنج داستان مشهود است. شتاب همیشگی آل احمد و توقع اصلاحگری او از ادبیات در بی توجهی نسبت به فنون داستانی بی تأثیر نبود. در حالی که گلستان کم و حساب شده می نوشت و بیشتر از بسیاری داستان نویسان دیگر به ساختار اهمیت می داد. در پی کدورتهایی که بین این دو نفر پیش آمد و در نهایت، جدایی روزافزون این دو از یکدیگر، در ابعاد داستانی هم از یکدیگر فاصله گرفتند. گلستان چندان پیشرفتی نداشت و ظاهراً بزودی داستان نویسی را کنار گذاشت؛ ولی آل احمد لااقل زمینه های دیگری را تجربه کرد. فاصله





روزافزون دو نویسنده، حدس آغاز این مقاله را در باب سفارشی بودن داستانهای مشابه، تأیید می‌کند. با توجه به محوریت و مرکزیتی که آل احمد در اندیشه در روزگار خود داشت، مدارک در جهت اثبات پیشگامی آل احمد در اندیشه است. می‌توان احتمال داد که ایده‌های حزبی با نوع نگرش و دید آل احمد (در این دوره) مطرح می‌شده است و سپس هر دو نویسنده بر اساس این نگرش، داستان می‌نوشته‌اند. تقدم زمانی و مدارک دیگری چون محور بودن آل احمد به ناچار ما را به این نتیجه می‌رساند که ایده‌های داستانی از جانب آل احمد آغاز می‌شده یا در صورتی که منشئی خارج از این حلقه داشته (کسانی مثل خلیل ملکی) باز هم زودتر در آثار آل احمد به بار می‌نشسته است. گرچه آل احمد در طرح نکته‌های سیاسی پیشقدم بوده، کارهای گلستان در ساختار و تکنیک بسیار سنجیده‌تر و منسجم‌تر است.

نتیجه‌گیری

از مباحث فوق شباهت، نزدیکی و نوعی یگانگی در اندیشه دو نویسنده مورد تحقیق روشن می‌شود. این شباهت و نزدیکی با رابطه تنگاتنگ شغلی و سیاسی و حتی خانوادگی دو نویسنده ارتباط مستقیم دارد. در آغاز فعالیت داستانی شباهت محتوایی آثار دو نویسنده واضحتر است و به مرور فاصله‌ها بیشتر می‌شود. با توجه به این که مسائل مطرح شده در آثار دو نویسنده از سوی حزب هم تبلیغ می‌شدند به ناچار باید هر دو را در این زمینه پیرو مرام حزب بدانیم. با توجه به این که آل احمد در زمینه داستان سریعتر از گلستان وارد عرصه شد، قرائن، تأثیر آل احمد را بر گلستان تأیید می‌کند. آل احمد در داستان، جدیتر و فعالتر از گلستان بود و بنابراین فضاها و اشخاص بیشتر و متنوع‌تری را به داستان ایران معرفی کرد. پس از جدایی کامل این دو، گلستان از داستان نویسی دست کشید و فعالیت خود را بر فیلم‌سازی متمرکز کرد و از این جهت به حاشیه داستان نویسی ایران منتقل شد. پیش‌گامی و سماجت آل احمد دو دلیل عمده بر این هستند که آل احمد را در محتوای داستانی پیشرو و گلستان را دنباله‌رو یا لاقط تأثیر پذیر بدانیم. اما استحکام فرم و تکنیک‌های داستان نویسی در آثار گلستان که حتی در بیشتر موارد فراتر از تکنیک‌های آل احمد است و توجه به نویسندگان جدید

آمریکایی، نشان می دهد که گلستان در زمینه فرم و تکنیک مستقل و در داستان نویسی ایران پیشرو است.

پی نوشت ها

- ۱- آل احمد نامه ای سرگشاده به جمال زاده نوشت و از او به دلیل دوری از ایران وبی توجهی به مشکلات عامه انتقاد کرد و براهنی شاعرانی مثل رؤیایی و احمد رضا احمدی و سپهری را مورد حمله قرار داد.
- ۲- هر سه از مجموعه پنج داستان.
- ۳- از مجموعه زن زیادی.
- ۴- هر سه از مجموعه سه تار.
- ۵- از مجموعه سه تار

منابع

- ۱- آل احمد، جلال؛ از رنجی که می بریم؛ چاپ دوم، تهران: امیر کبیر، ۱۳۵۷.
- ۲- آل احمد، جلال؛ پنج داستان؛ چاپ دوم، تهران: رواق، ۱۳۵۱.
- ۳- آل احمد، جلال؛ زن زیادی؛ چاپ چهارم، تهران: رواق، ۱۳۵۶.
- ۴- آل احمد، جلال؛ سه تار؛ چاپ سوم، تهران: امیر کبیر، ۱۳۴۹.
- ۵- آل احمد، جلال؛ یک چاه و دو چاله؛ چاپ اول، تهران: رواق، ؟
- ۶- آل احمد، جلال؛ ادب و هنر امروز ایران، کتاب دوم، چاپ اول، تهران: میترا با همکاری نشر همکلاسی، ۱۳۷۳.
- ۷- آل احمد، شمس؛ از چشم برادر؛ چاپ اول، قم: کتاب سعدی، ۱۳۶۹.
- ۸- حریری، ناصر؛ درباره هنر و ادبیات امروز (مصاحبه با دانشور و شاملو)؛ چاپ اول، بابل: کتابسرا، ۱۳۶۴.
- ۹- شاملو، احمد: زندگی و شعر احمد شاملو، ع. پاشایی، ج ۲، چاپ اول، تهران: ثالث، ۱۳۷۸.
- ۱۰- گلستان، ابراهیم؛ آذر ماه آخر پاییز؛ چاپ اول، تهران: نقش جهان، ۱۳۲۷.
- ۱۱- گلستان، ابراهیم؛ شکار سایه؛ چاپ دوم، تهران: روزن، ۱۳۴۶.



-
- ۱۲- گلستان، ابراهیم؛ مدّ و مه؛ چاپ اول، تهران: روزن، ۱۳۴۸.
- ۱۳- گلشیری، هوشنگ؛ باغ در باغ؛ چاپ اول، تهران: نیلوفر، ۱۳۷۸.

